مقایسه حکومت اسلامی با سایر نظامهای بشری

مقایسه حکومت اسلامی با سایر نظامهای بشری

حسن عزیزی

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه:

در این مقاله سعی شده است یک نوع مقایسه تطبیقی و اجمالی بین حکومت اسلامی و سایر نظامهای بشری از جمله رژیمهای (سلطنتی یا پادشاهی، دموکراسی، توتالیتری و استبدادی، بوجود آیدو همچنین به کار کرد هر یک از رژیمها هم پرداخته شود. و اما نکته قابل تعمّق اینست که در این مقاله در رابطه با مقایسه و قابل جمع بودن یا نبودن دین با دموکراسی و یا سایر نظامها بحث نمی شود، بلکه از لحاظ شکل و نوع و تعریف نظامها، زیربنای عقیدتی و فکری، ویژگیها و مشروعیت آنها نظامها بحث اجمالی شده و کوشش بعمل آمده است تا هیچ گونه سلیقه و قضاوت فردی و یک جانبه و غیر علمی نیز اعمال نگردد.

در این مقاله سعی شده است با توجه به موضوع های مطرح شده، دیدگاه ها، جهان بینی و فلسفه وجودی هر یک از حکومتها را با توجه به منابع خود مطرح نماییم، و همچنین اشتراک مساعی و یا اختلافات هر یک

از حکومتهای موجود را مورد بررسی قرار دهیم.

1 ـ نوع و شکل و تعریف حکومتها:

1 ـ 1 ـ حکومت جمهوری اسلامی:

کلمه جمهوری، حاکی از نوع حکومت انتخابی ملت ایران است که در آن حق تعیین سرنوشت و حق انتخاب با همه مردم است. این نوع از حکومت معمولا مقابل حکومت مشروطه سلطنتی و حکومت استبدادی و دیکتاتوری اطلاق می شود.

معمولا در حکومتهای جمهوری، برای احراز مسئولیت های عمده سیاسی از سوی افراد، نوعی سیستم انتخابات بکار می رود، بالاخص جهت کسب مقام ریاست جمهوری که به طور انتخابی تعیین می شود، هر چند جمهوریها همه یکسان و در یک حد در اجرای این شیوه پایبند نیستند. برخی از جمهوریها همانند جمهوری روم در تاریخ گذشته و جمهوریهای اتحاد جماهیر شوروی در تاریخ معاصر با نوعی دیکتاتوری گروهی و طبقاتی همراه بوده و در برخی دیگر مانند جمهوری سابق فرانسه و حکومت هند، رئیس جمهور ما فوق رقابتهای سیاسی است و وظایف وی اصولا جنبه تشریفاتی داشته و به عنوان رئیس قوه مجریه بعضا دارای نقش و مسئولیت سیاسی است. وبه همین دلیل در برخی از اینگونه کشورها رئیس جمهور توسط قوه مقننه انتخاب نمی شود بلکه از طریق انتخابات عمومی تعیین میگردد.

در ایالات متحده امریکا، رئیس جمهور دارای دو مقام سیاسی است، یعنی ریاست جمهور و ریاست وزرا را با هم دارا است. نوع جمهوری در جمهوری اسلامی ایران به خاطر نوع محتوای آن به شکل دیگری است و رئیس جمهور از طریق انتخابات مستقیم برگزیده می شود و مسئول اجرای قانون اساسی، تنظیم روابط قوای سه گانه و ایجاد هماهنگی بین آنها و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیما به رهبری مربوط می شود بر عهده دارد.

بدین ترتیب برای جلو گیری از گونه های مختلف استبداد، نوعی از جمهوری

انتخاب شده که همه مقامات عالیرتبه دارای مسئولیتهای مشخص و دارای صلاحیت و مشروعیت مکتسبه از رای مردم نیز باشند و بدون آنکه استقلال قوه مقننه و قضائیه خدشه دار شود مسئولیت هماهنگی و تنظیم روابط فیما بین آن دو قوه و نیز روابط آن دو باقوه مجریه به عهده ریاست جمهوری گذارده شده است. و از آنجا که ریاست جمهوری مستقیما با امور اجرایی مربوط است، مسئولیت قوه مجریه نیز بر عهده وی گذارده شده است.

کلمه اسلامی در نام حکومت انتخابی برای کشور ایران، محتوای حکومت را بیان می کند و معنی آن اینست که حکومت جمهوری ایران با اصول و مقررات اسلامی اداره می شود و برمحور اسلام حرکت و جهت می گیرد.

چرا که اسلام به عنوان یک دین در عین حال یک مکتب و یک ایدئولوژی و طرح برای زندگی بشر در همه ابعاد و شئون آن به شمار می رود و به این ترتیب جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که شکل آن را عامه مردم انتخاب کرده اند و محتوای آن بر اساس مبانی عقیدتی و برنامه ها و طرحهای کلی و هدفهای اساس اسلام مبتنی شده است(1).

2 ـ 1 ـ نظام دوموکراسی:

و اما در توضیح رژیمهای دمکراسی باید گفت که دموکراسی از دو کلمه Democ به معنای خلق و kras به معنای قدرت بوجود آمده است. کلمه دموکراسی دارای معنای مجموعه ای از کمال مطلوب را می دهد و همچنین گاهی معنای نظام سیاسی مانند، کمونیسم یا فاشیسم را نیز می دهد. نظام دموکراسی باستان حداقل با آن چیزی که در برخی کشور - شهرهای یونان در قرن چهارم قبل از میلاد وجود داشت

---

1 ـ جزوه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران - نیمسال دوم تحصیلی 73 - 72 - آقای جهانگیر ص 7 (چاپ کتاب فقه سیاسی جلد اول ص 204).

نزدیکترین شباهت را با خود اصطلاح دموکراسی داشت.

از چندین نقطه نظر می توان مفهوم دموکراسی و انواع آن را مورد بررسی قرارداد، از نقطه نظر اصلی، توصیفی، گونه شناسی و تمایز میان خرد وکلان. و اما از نقطه نظر فرماتیو هم از دموکراسی سه برداشت می شود:

1 ـ برداشت مبنایی یا تخالفی.

2 ـ برداشت واقع گرایانه.

3 ـ برداشت جامعه مطلوب یا آرمانی.

امروزه وقتی صحبت از دموکراسی به عمل می آید هدف عبارت از سیستم رقابتی احزاب است، چرا که هنگام صحبت از دموکراسی، اکثریت، گروهها و افرادی که اکثریت را در مجالس مقننه دارا بوده و به حقوق اقلیت نیز احترام می گذراند، می باشد.

بنابراین می توان گفت که امروزه اگر در جامعه ای نظام دموکراسی وجود دارد صحبت ما درباره مفاهیمی مانند انتخابات، حکومت اکثریتها، اجازه فعالیتهای سیاسی به احزاب و دستجات مختلف است(1).

3 ـ 1 ـ رژیم پادشاهی یا سلطنتی:

در رژیم سلطنتی یا پادشاهی، یک پادشاه یا ملکه معمولاً براساس مقررات و احیاناً عادات مهم کشور، یا انتخابات ویا حیله و نیرنگ به صورت استبدادی یا مشروطه حکومت می کند(2).

صفاتی را که معمولا برای این نظام بکار گرفته اند، نظیر مستبد، خود کامه، عادل

_____

1 ـ کتاب سیری در اندیشه های سیاسی معاصر - دکتر علی اکبر - از ص 37 به بعد.

2 ـ جزوه حقوق اساسی ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران - نیمسال سوم تحصیلی 73 - 72 - آقای جهانگیر ص 7 (چاپ کتاب فقه سیاسی جلد اول ص 203).

و نیکوکار، بستگی به رفتار شخصی سلطان در قبال مردم کشورش داشته است. به این ترتیب محتوای رژیم، مالاً بستگی به اراده سلطان دارد. البته در کمتر رژیم سلطنتی، می توان قدرتی بی حدوانتها برای شخص سلطان تجسم کرد، زیرا در دنیای عمل اقتدار پادشاه به حد و مرزهائی چون عرف و عادات و سنت های حاکم بر جامعه، یا گروههای صاحب نفوذ بر خورد میکرده است. قاعدتاً نظام سلطنتی Chie Monar یعنی نظام مونوکراسی (یکتن سالاری) موروثی است، هر چند به طور استثنائی در طول تاریخ گاهی به نظام های سلطنتی انتخابی بر می خوریم همانند نظام سلطنتی در لهستان و نظام امپراطوری رمی ژرمنی که پادشاه با انتخابات محدود توسط صاحبان امتیاز برگزیده می شدند(1).

4 ـ 1 ـ رژیمهای توتالیتری، دیکتاتوری:

در رژیم دیکتاتوری، شخص یا طبقه و گروهی براساس ضرورتها و حوادث ناگهانی قدرت و اختیارات رابدست گرفته و مطلق العنان فرمانروائی می کنند(2).

به عبارتی می توان از آن بنام توتالیتاریانیسم Totalitarianism نام برد که کلمه توتال از ریشه لا تینی آن توتولی، گرفته شده است که معنای کامل و کل را نیز می دهد.

مثلا رژیم ناسیونال سوسیالیسم، نماشیسم، کمونیسم و نازیسم دارای نظامهائی با رژیم های توتالیتی بوده اند(3).

اگر به یک نوع طبقه بندی نمونه ای هم بپردازیم باید بگوئیم که سنخ بندی رژیم ها که از ادوار باستان مرسوم بوده اند در گذشته بیشتر به منظور تسهیل در

_____

1 ـ کتاب حقوق اساسی و نهادهای سیاسی - جلد اول - دکتر ابو الفضل قاضی - ص 558 به بعد.

2 ـ جزوه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران - آقای جهانگیری دانشگاه تهران.

3 ـ کتاب سیری در اندیشه های سیاسی معاصر - دکتر علی اکبر - ص 97 به بعد.

شناخت حکومت ها و علی الخصوص مشخص کردن گونه صحیح از سقیم و نیک از بد صورت گرفته است. این طبقه بندی رژیم های سیاسی عبارتند از: الف - طبقه بندی کلاسیك (معیار - قدرت یا آرایش قدرت. ب - طبقه بندی مارکیستی (معیار - نحوه، مالکیت).

ج - طبقه بندی بعد از جنگ (معیار - احزاب، وضع اقتصادی، توسعه).

د - طبقه بندی اسلامی (معیار - دین).

در تفکیک مطلق و تفکیک نسبی قوا، رژیم ریاستی و رژیم پارلمانی وجود دارد و یا طبقه بندی رژیم ها براساس روابط قواست.

5 ـ 1 ـ جدول طبقه بندی رژیمها براساس روابط قوا:

روابط بین قوا انواع رژیم های سیاسی گونه های متفاوت

اختلاط قوا رژیم های اقتدار گرا (پادشاهی مطلق دیکتاتوری - استبداد - خودکامگد)به سود مجریه «بناپارتیسم، فاشیسم» به سود مقننه: «رژیم های مجلسی کنوانسیونی».

تفکیک کامل قوارژیم های ریاستی با تعادل قوا: رژیم ایالات متحده امریکا. بسود رئیس جمهوری، برخی از رژیم های امریکای لا تین یا افریقائی.

همکاری قوارژیم های پارلمانی با دو حزب: رژیم سیاسی انگلیسی. با چند حزب: رژیم های سیاسی کشورهای اروپائی.

6 ـ 1 ـ طبقه بندی رژیمها از دیدگاه افراد:

جدول طبقه بندی ارسطو از رژیمها:

تعداد زمامداران	اعمال قدرت در نظر عام	اعمال قدرت بسود شخصي بهره مندان
یکتن	سوناریتی (نظام پادشاهی)	تیرانی (خودکامگی) پادشاه
چندتن	آریستوکراسی (نظام اشرافی)	الیگارشی (امتیازطلبی) زبدگان
شمارزیاد	پولیتی رپوبلیک (نظام جمهوری)	دموکراسی (همه سالاری) همه مردم، تهیدستان

ـ طبقه بندی رژیمها از دیدگاه منتسکیو:

1 ـ دموکراسی (مردم سالاری)

2 ـ آریستو کراسی (نجیب سالاری)

3 ـ مونارشی (تکسالاری)

4 ـ رسپوتیسم (استبدادی)(1).

در کل آنها امروز به دموکراسی مشهور شده و نوع خاصی از حکومت است که افراد واجد شرایط جامعه اعضای قوه مقننه را آزادانه انتخاب می کنند. بنابراین تعریف اصطلاح جمهوری با حکومتهائی که با دموکراسی اداره می شود بیشتر انطباق می پذیرد.

گرچه در برخی از حکومتهای سلطنتی نیز قوه مقننه از طریق انتخابات برگزیده می شود ولی ریاست عالیه سلطنتی همواره بااقتدار و اختیاراتی که کسب می کند سد راه استقرار دموکراسی می شود و در غیر این صورت وجود تشریفاتی شاه بی ثمر و مقامی زائد و به دور از صحنه سیاست و حکومت تلقی می گردد.

اکثر رژیمهای حاکم ادعای دموکراسی دارند و در حالی که مدعی اند برای مردم کار می کنند و در جهت مصالح عمومی جامعه گام بر می دارند و حکومتشان حکومت

---

1 ـ کتاب حقوق اساسی و نهادهای سیاسی - جلد اول - دکتر قاضی از ص 366 به بعد.

عدل و آزادیخواهی است، ولی آنچه حکومت دموکراسی رامشخص و متمایز می سازد اینست که تشخیص مصالح جامعه و عدالت و امنیت عمومی منحصر ابا انتخاب مردم است، به طوریکه قدرت تشخیص دقیق مسائل مربوط به مصالح جامعه و عدالت و امنیت و حدود حقوق و آزادیها را خود مردم انتخاب کرده و پذیرفته باشند و اگر خود مستقیما مجری آن نظام نباشند مجریان به انتخاب آنان زمام امور را بدست گرفته باشند. به همین دلیل است که رژیم سلطنتی فاقد این عنصر اساسی دموکراسی بوده ومردم ایران با پیروزی انقلاب اسلامی آنرا به جمهوری تبدیل کردند(1).

2 ـ زیر بنای عقیدتی و فکری حکومت اسلامی و سایر نظامهای بشری:

1 ـ 2 ـ زیربنای عقیدتی و فکری حکومت اسلامی:

- مساوات و برابری: اصل مساوات و برابری نخستین پایه نظام اجتماعی اسلام است؛ با مطالعه خصایص مشترک انسانی زیر می توان به عمق مسئله مساوات و برابری انسانها از دیدگاه اسلام پی برد.

- همه افراد انسان از هر نژاد و یا هر نوع خصیصه مادی و معنوی از دو انسان مرد و زن آفریده شده و نخستین مرد و زن که پدر و مادر همه انسانها هستند از یک نوع و با طبیعت مشابه آفریده شده اند.

- انسان به مثابه بذر نهال است (نه مادّه خام) و نسبت به شکلها و حرکتها و جهتها وعوامل گوناگون یکسان نیست او حرکتی به سمت کمال دارد و این جوشش

1- جزوه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، آقای جهانگیر ص 8.

و خیزش ریشه در فطرت او دارد و این خصلت بطور همگانی در عموم انسانها وجوه دارد.

- آشنائی عامه مردم با حقوق افراد و آگاهی لازم در جهت احترام به حقوق دیگران.

- ضمانت اجرایی نیرومند معنوی (ایمان و اخلاق).

- ضمانت اجرای قانونی برای کیفر دادن متجاوزین به حقوق مردم.

- همه انسانها در برابر خدا یکسان مسئولند و نیز نسبت به افراد دیگر و جامعه وظائف مشترک بر عهده دارند زیرا همگی مخلوق خدا و عضو جامعه اند.

- هیچ گونه تفاوتی جز تقوی نمی تواند معیار تبعیض و نابر ابری تلقی گردد، زیرا برابری و تمایز براساس تقوی نیز معیاری در تقسیم وظائف و وسیله ای برای نیل به اهداف عالیه انسانی است نه عامل تبعیض در برابر قانون.

- ارزش هر انسانی به میزان عمل و کیفیّت آن بستگی دارد (کل نفس بما کسبت رهینه) و معیار ارزیابی هر فردی توانائی و شایستگی او است (قیمه کل امرء ما یحسنه). شخصیت واقعی هر انسان را باید در وجود خود او جستجو کرد و شخصیت اضافی و اعتباری بدون شخصیت ذاتی سودی ندارد و اگر از شخصیت تقوائی انسانها صر فنظر شود همه آنها علیرغم تمامی تفاوتها واختلافها یشان برابرند.

- اصل اینست:

مفهوم امنیّت، مصونیت از تعرض در مقابل تصرف اجباری بدون رضایت است.

ودر مورد افراد به معنی آن است که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادیهای مشروع خود نداشته و

به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیافتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید. لزوم و ضرورت امنیت در جامعه - باین مفهوم - از طبیعت حقوق ناشی میگردد و لازمه حقوق و آزادیهای مشروع، مصونیت آنها از

تعرض و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات است.

گاه به حالتی که افراد در شرایط خاص نسبت به حفظ و صیانت حقوق مشروع خود احساس می کند نیز اطلاق می شود، که متلازم و مترادف با حالت آرامش و اطمینان در برابر اضطراب درونی است.

برای اجرا و تحقیق امنیت وجود عوامل زیر لازم است:

- اجرا و تصمیم عدالت و قانون به طور یکسان و نفی هرگونه تبعیض در جامعه.

- مبارزه مداوم با عوامل تجاوز گرو زمینه های تعرّض احتمالی و نیروهای فشار و وحشت و مهار کردن عواملی که زمینه تعرض دارند. و پیشگیریهای لازم برای خشکانیدن ریشه های تعدی که در مسیر انجام وظیفه و در مقام احترام به قانون وجود دارند. و اما آنها که در مسیر خلافند و یا مرتکب بزه و جرم شده اند بدلیل ماهیت عملکردشان از حق امنیت محرومند.

- آزادیهای اساسی:

در آغاز این بحث باید معنی آزادی را روشن نمائیم. آزادی مانند بسیاری از واژه های سیاسی دارای معانی مختلف و بگونه ای متفاوت مورد بهره برداری قرار گرفته است. میدانیم در یک جامعه که افراد براساس یک سلسله تعهدات و التزامات در آن زندگی می کنند یک فرد نمی تواند همه اعمال دلخواه خویش را همیشه و همه جا انجام دهد، و آزادی مطلق چیزی جز هرج و مرج و نقض تعهدات اجتماعی نیست. خود محدود سازی اجتماعی در زندگی اجتماعی اجتناب نا پذیر است. میزان و معیار این محدودیتها گاه بوسیله افراد، گروها، دولت، جامعه، شرائط حاکم وبالاخره زمانی نیز باقانون صورت می پذیرد. باید دید که کدامیک از این عوامل و براساس چه معیار و میزان و تا چه حدودی می توانند آزادی افراد را محدود کند. از سوی دیگر آزادی در عرصه سیاست و در قلمرو اقتصاد و در زمینه های فرهنگی و

اعتقادی و فکری و نیز آزادیهای مدنی و غیره از یکدیگر جدا نبوده و متلازم و وابسته اند.

اصولا اسلام هر نوع ایجاد وحشت و هراس را در دل انسانهائی که مرتکب خلافی نشده اند ظلم و تجاوزی بس بزرگ تلقی می کند و آنرا از جرائم می شمارد. آزادی در مفهوم اسلامی از تعهد انسان در برابر خدا والتزام بولایت خدا و تسلیم در برابر حاکمیت تشریعی الهی تفکیک ناپذیر است و به همین دلیل معنی دار و مبتنی بر یک جهان بینی و دید توحیدی عمیق می باشد.

در مفهوم اسلامی آزادی، عنصر عقلانی کاملا دخیل است وانسان نسبت به اعمال و افکار خود مسئول است. برخی نیز آزادی را میانگینی بین دو حالت بی نیازی جامعه نسبت به اجبار و حد افراطی کنترل کامل همه اعمال افراد میداند، و بعضی دیگر آزادی را به فرصت دادن به هر فرد تا بزندگی خود برسد معنی کرده اند.

غرب فلسفه این آزادی را در اعتقاد به اصل سرمایه داری و ارضای تمایلات و خواسته ها، و هوی و هو سهای مادی میداند و مبنای وضع قوانین و میزان حاکمیت دولتها را نیز براساس میل و شهوت اکثریت قرار می دهد. شرق نیز در اعتقاد به تاریخ و حاکمیت قوانین دیالکتیکی بر جهان و انسان، آزادی انسان را در تشدید تضادها و ایجاد شرائط و بالاخره نوعی هدایت محکوم به قانونمندیهای دیالکتیکی منحصر می دانست و هر کدام بگونه ای جهت تعلیلی نیاز انسان به آزادی را بیان می کنند. یکی تمایلات حیوانی و مادی انسان، دیگری هماهنگی باقانونمندیهای تکامل را عامل اصلی می شمارد. در این میان اسلام برای آزادی هویت و عامل انسانی قائل است و انسان را دارای استعدادهای فراوان و تمایلات عالی انسانی میداند و همین استعداد و تمایلات عالی را منشا آزادی انسان می شمارد و آزادی را بر اساس آن چیزی میداند که تکامل انسانی انسان را ایجاب کند. آزادی در این دید یک حق انسانی است و

ناشی از استعدادهای انسانی و رهائی این استعدادها و تمایلات عالی از هر نوع مانع و مزاحم و هموار کردن راه تکامل، و این مفهوم صحیح آزادی در مکتب اسلام است.

قرآن آزادی را در قالب توحید بیان می کند و به تعهد و التزام انسان به اطاعت فرمان خدا که بیانگر

راه تکامل انسان و نفی مطلق اطاعت غیر خدا است دعوت می نماید. خدا پرست واقعی یک انسان آزاد است که در برابر هیچ قدرتی سر تعظیم فرود نمی آورد. چهره انبیاء در قرآن به صورت آزاد مردانی ترسیم شده که برای رهائی مردمشان از قید و بند قیام کرده اند. در اسلام تشکیل اجتماعات و راه پیمائیها بشرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است و هر کس حق دارد هر شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نمی باشد برگزیند.

دولت نیز موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرائط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. زیرا بدون چنین زمینه ای، آزادی شغل معنای صحیحی نخواهد داشت و در اشتغال تنها ملاك، امانت و کاردانی خواهد بود.

- حق دادخواهی:

شعار «لا تظلمون ولا تظلمون» و افشای ستم و ستمکار و حرمت ستم و ستمکشی در اسلام، نه تنها حق دادخواهی را برای انسان محترم شمرده بلکه آنرا برای احیای حق وعدالت و امحای باطل و ظلم واجب کرده است.

اهمیت فوق العاده و ارزش خطیری که اسلام برای اجرای عدالت و امر قضاوت قائل شده نشانگر احترام به حق دادخواهی فرد می باشد. ایجاد دادگاههای صالح اولین شرط احترام به حق دادخواهی است، به طوریکه باید همگان امکان دسترسی به دادگاههای صالح را داشته باشند. اسلام در عین اینکه با اصل: «لا اکراه فی الدین»

احترام به فکر و آزادی عقیده را بیان می کند ولی هرگز عقائدی را که از تقلید کورکورانه و از طریق غیر عقلائی بر انسانها تحمیل شده مورد تائید قرار نمی دهد و برای آن احترامی قائل نمی شود.

دستورات قرآن در زمینه تفکر و تدبر کلاّ دلالت بر آزادی فکر و عقیده دارد، زیرا ایندو لازم و ملزوم یکدیگرند چنانکه هر دو مستلزم آزادی بیان، فکر و عقیده نیز می باشند. ولی انتقال فکر و عقیده به دیگران تا چه حد می تواند آزاد باشد، حتی تا آنجا که قدرت تفکر را از دیگری سلب و فکر و عقیده ای را بر او تحمیل و یا او را گمراه نماید؟

در شرایط نابرابر و عدم توازن فکری، وقتی القاء عقیده به صورت غیر علمی و بدور از اختیار و به گونه ای انجام میگردد که امکان اراده و آزادی را از دیگری سلب می کند آیا آزادی بیان و مطبوعات و احزاب و ادیان می تواند قابل قبول باشد؟

در اسلام تفتیش عقائد ممنوع است و هیچ کس را نمی توان بصرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرارداد و نیز تاکید می کند: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام و یا حقوق عمومی باشد تفصیل آنرا قانون مطبوعات بیان کرده است.

ـ حق برخورداری از تامین اجتماعی:

طبیعت انسان آن چنان نیست که از قدرت کار وخلاقیت در همه شرائط و برای همیشه در طول حیات خویش برخوردار باشد. فرد یکه به دلائلی برای خود کاری دست و پانکرده وبیکار است ویا بدلیلی قادر به دفاع از خود اقامه دعوی در دادگاه نیست، حق انتخاب وکیل که از شرائط احترام به حق دادخواهی است. را دارا بوده و تامین اجتماعی از وی باید حمایت کند. اهمیت مسئله قضاوت و شرائط آن ایجاب می کند که مجازات از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون اجرا گردد و برای کنترل

دستگاه قضائی و خودداری از هر نوع احتمال غرض ورزی دادرسان و نیز جلب اعتماد عمومی و کمک از وجدان جامعه، علنی بودن محاکمات، لازمه آزادی و حق دادخواهی افراد است. اصل برائت از اصول عملیه در علم اصول فقه و از مبانی فقه اسلامی است و به مقتضای آن هر کس تا جر می درباره اش ثابت نشده محکوم به برائت است وبرای مجرم شناخته شدن هر انسانی لازم است دادگاه صالح بر آن حکم نماید. از آنجا که براساس قاعده لاضرر، زیان رسانی به دیگران ممنوع می باشد، هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر و یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد و به خاطر استیفای حق خویش مصالح جامعه و امنیت و سلامتی حقوق دیگران را به مخاطره افکند.

ـ حق آموزش و پرورش:

تعلیم و تربیت از اهداف عالیه انبیاء (یزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمه) وضرورتی اجتناب ناپذیر در رشد و تعالی انسان و امری واجب در اسلام و از موجبات برتری انسان از دیدگاه قرآن است، علم از

دیدگاه اسلام پایگاه معرفت خدا و اساس ایمان است(1).

2 ـ 2 ـ زیربنای عقیدتی و فکری رژیمهای دموکراسی:

اکثر رژیمهای حاکم ادعای دموکراسی دارند و مدعی اند که برای مردم کار می کنند و در جهت مصالح عمومی جامعه گام بر می دارند و حکومتشان حکومت عدل و آزادیخواهی است، ولی آنچه حکومت دموکراسی را مشخص و متمایز می سازد امنیت برپایه تشخیص مصالح جامعه و نفع عمومی و عدالت بوده و امنیت منحصراً با انتخاب مردم است. به طوریکه تشخیص دقیق مسائل مربوط به مصالح

_____

1 ـ جزوه کمک درسی مبانی اندیشه های سیاسی اسلام - دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران - استاد حجه الاسلام والمسلمین عمید زنجانی، نمیسال دوم تحصیلی 73 - 72 ص 97 به بعد.

جامعه و عدالت و امنیت و حدود آزادیها را نیز خود مردم انتخاب کرده و پذیرفته باشند و اگر خود مردم مستقیما مجری آن نظام نباشند مجریان به انتخاب آنان زمام امور را بدست گرفته باشند(1).

در بعضی جوامع از جمله تا چندی پیش در بعضی از کشورها، دموکراسی هیچ گاه از ثبات واقعی برخوردار نبوده است و آن چنان که باید مؤثر واقع نشده است.

غالبا نیز به دموکراسی اجتماعی توجه نمی شود، چرا که عملا وجود ندارد، بلکه توجه بیشتر به حکومت سیاسی می باشد تا به وضع و حال جامعه. در چنین مواردی تاکید بیشتر بر روی آزادیست تا مساوات، چرا که آزادی بیشتر جنبه صوری، تشریفاتی دارد تا مساوات که بیشتر جنبه محتوایی یا مضمونی دارد(2).

3 ـ 2 ـ زیربنای فکری و عقیدتی رژیمهای پادشاهی یا سلطنتی:

رژیم سلطنتی زیربنای عقیدتی مختص خود را دارد، مفهوم نظام پادشاهی با مفهوم وراثت، بسته و پیوسته است و چون این عنوان قاعدتا از پدر به پسر (یا احیانا دختر) چون حقی مالکانه منتقل می شود، طبعا

تداوم آن برپایه شایستگی نیست، بلکه برگونه ای حقانیت تاریخی و عرف و عادات سیاسی یا قوانین موضوعه متکی است با ملاحظه تاریخ بشریت، از آغاز تا قرن هجدهم میلادی جز در موارد استثنائی، رژیم غالب در بیشتر نواحی جهان، رژیم پادشاهی بوده یا از محتو او مضمون آن نشانهائی داشته است. و برای توجیه حقانیت آن از مفاهیمی چون مشیت الهی، فره ایزدی و نظایر آن بهره گیری شده است، اصطلاح شهریار به عنوان رئیس بلا منازع و مختار مطلق یا نماد حاکمیت دولت - کشور، جنبه عمومیت یافته و در آثار برخی از

---

1 ـ جزوه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران - آقای جهانگیری ص 8. به بعد.

2 ـ کتاب سیری در اندیشه های سیاسی معاصر - دکتر علی اکبر ص 48 به بعد.

متفکران و فلاسفه نظیر ماکیاول و ادموند برك، مؤید تجسم حاکم بکار گرفته شده است(1).

3 ـ ویژگیهای نظام حکومت اسلامی در مقایسه با نظامهای بشری:

1 ـ 3 ـ ویژگیهای نظام اسلام:

- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

- بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات در رسانه های گروهی و وسائل دیگر.

- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

- تقویت روح بررسی و تتبع وابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

- محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

- تامین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های

---

1 ـ کتاب حقوق اساسی و نهادهای سیاسی - جلد اول دکتر قاضی ص 558 به بعد.

مادی و معنوی.

- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضروری.

- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی - عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

- پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر وبر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

- تامین خودکفائی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.

- تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بیدریغ از مستضعفان جهان(1).

2 ـ 3 ـ ویژگیهای نظام دموکراسی:

- ریشه های فکری: دمواکراسی یا حکومت مردم سالاری که در متون کلاسیك، حکومت مردم بر مردم برای مردم، تعریف شده است، به عنوان یکی از انواع نظامهای سیاسی، تا آنجا که از متون تاریخی مستفاد می شود، برای اولین بار در یونان باستان شکل گرفت. آغاز حرکت برای دموکراسی های جدید را باید در تحولات قرن هفدهم انگلستان و خصوصا انقلاب با شکوه 1688 جستجو کرد. از طرف دیگر از

_____

1 ـ جزوه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه تهران - آقای جهانگیری ص 16 به بعد.

رنسانس تا عصر روشنگری، انقلابی پنهان و آرام در تفکراتی که پی آمدهای سیاسی داشت در حال تکوین بود، ولی هرگز این حرکت آرام در زمینه سیاست مدعی دموکراسی نبود. اما آنچه در تفکر منتسکیو و روسو به عنوان پدران بنیان گذار دموکراسی جدید قابل مداقه است، فقدان خوش باوری در مورد امکان استقرار یک رژیم آزادی است.

- اصول مشترک: دموکراسیهای غربی اعم از متقدم و متاخر اصولی را پذیرفته اند که بین تمامی آنها مشترک است. این اصول مشترک که تبلور اندیشه های قرن هیجدهم اروپاست، نشانگر وحدت در خاستگاه جغرافیایی و اجتماعی دموکراسی نوع غربی است. این اصول را می توان به شرح زیر بر شمرد.

1 ـ اصل مشروعیت

2 ـ اصل برابری

3 ـ اصل آزادی و تبعات آن

- مکانیسم هاو روش هایی که اصول دموکراسی را تضمین می کند:

غیر عملی بودن دموکراسی واقعی که از آغاز نظر بنیانگذاران دموکراسی جدید را به خود جلب کرد از یک طرف و تضادهای درونی مانند تضاد بین اراده جمع و آزادیهای فردی از طرف دیگر، اقتضای اسلوبهای خاصی را برای تحقق نظامی داشت که که با رژیمهای استبدادی گذشته متفاوت باشد و از بروز دیکتاتوری جدیدی نیز جلو گیری کند. همین اسلوبها بود که در عمل تفاوت خاصی بین دموکراسیهای غربی و انواع دیگر دموکراسیها بوجود آورد، تا آنجا که بتوان گفت: دموکراسی در غرب قبل از هر چیز شکل خاصی از حکومت است که در مقابل اشکال دیگر حکومت چون سلطنتی، الیگارشی و اریستوکراسی قرار می گیرد. از اینر و اسلوبها در دموکراسی غربی نباید کمتر از اصول مورد توجه قرار گیرد که آن نظریه بود و این

عمل(1).

فلسفه چند حکومتی یا سیستم دموکراسی به صورت امروزی آن براساس تقسیم کار قراردارد. گفته می شود که زندگی جوامع در حال حاضر هر روز بیشتر و بیشتر جنبه تخصصی به خود می گیرد که عامه مردم نمی توانند از جنبه های مختلف مشکل تخصصی حکومت آگاهی داشته باشند. علاوه بر این اکثریت مردم سرشان به کار خودشان گرم بوده و اساس این جمله عمیق ارسطو که تا زمانی که مطمئن باشندسردمداران آنها بدین منصفانه حکومت می کنند ترجیح می دهند که دنبال کسب یا کار خود: معلم دنبال تعلیم، صاحب کار خانه دنبال تولید - رفته و هر چند سال یکبار موافقت و پشتیبانی خود را منصه ظهور برسانند. و به این دلیل است که گفته می شود، سیستم سیاسی در دموکراسی برپایه افکار عمومی قرار دارد و حکومتها باید هر چند سال یکبار به مردم حساب پس بدهند(2).

3 ـ 3 ـ ویژگیهای نظامهای توتالیتری - استبدادی - دیکتاتوری:

- اینکه قدرت سیاسی منحصرا در دست حزب واحدی قرار داشته و تمام بوروکراسی دولتی تابع دستورات حزبی و ماموریتی که از طرف حزب در این دستگاهها منصوب می گردند، باشند.

- نه تنها هیچ حزب دیگری حق فعالیت در قلمرو کشور را ندارد بلکه در دورن حزب واحد - شکل گیری گرایش های مختلف و دسته بندی کاملا ممنوع و قد غن می باشد. تمام سازمانهای اجتماعی یا به عبارت دیگر گروههای ذی نفع مانند اتحادیه های کارگری وسازمان زنان و اتحادیه دانشجویان و معلمین و ابسته به حزب

_____

1 ـ ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم، شماره یازدهم و دوازدهم - مرداد و شهریور 1372 ص 32 به بعد.

2 ـ کتاب سیری در اندیشه های سیاسی معاصر - دکتر علی اکبر ص 55 به بعد.

واحد بوده و هیچ گونه استقلال عملی از خود برای بیان خواسته ها ندارند و این سازمانها از پائین بسیج و تعلیم و تربیت و کنترل عامه مردم را که در این سازمانهای گوناگون عضویت دارند در جهتی که مورد نظر مسئولین حزبی، دولتی می باشد راهنمایی می نمایند.

- تمام وسائط ارتباط جمعی مانند رادیو - تلویزیون - مطبوعات - کتاب - سینما - همه و همه در اختیار و کنترل حزب و دولت بوده و بدین ترتیب اولا افکار عمومی بوسیله این رسانه های همگانی در جهتی که مورد نظر مقامات حزبی و دولتی است شکل می گیرد و ثانیاً از شکل گیری و اشاعه نظریاتی که مخالف خط مشی و سیاست حزب و دولت است جلوگیری به عمل می آورند.

- هیچ گونه مانعی در قبال اعمال قدرت از طرف دولت مثلا به صورت احترام به قانون، احترام به آزادی فرد و غیره وجود ندارد و احتمال دارد صحبت از قانون اساسی و آزادیهای گوناگون و حکومت قانون به عمل آید ولی هیچ یک از اینها نمی تواند مانعی در قبال اعمال قدرت برای وصول به مقاصد در نظر گرفته شده توسط دولت باشد(1).

4 ـ مشروعیت نظامها:

حکومت و دولتی که از مشروعیت بر خوردار باشد از سلطه مشروع بر خوردار خواهد بود و بر اساس آن می تواند در قبال فرد اعمال قدرت بکند و متقابلا افراد از فرامین و دستورات حکومت اطاعت کنند. مقبولیت هر حکومتی براساس مشروعیت آن تعیین می شود. مشروعیت در علوم اجتماعی و سیاسی به دو نوع مشروعیت الهی و مشروعیت مدنی تقسیم می شود، مشروعیت الهی حکومت مشروع را به نحوی از

---

1 ـ کتاب سیری در اندیشه های سیاسی معاصر - دکتر علی اکبر ص 99 به بعد.

انحاء مربوط به نیروی فوق طبیعی والهی می کند و خود داری انواع گوناگون است.

در مورد مشروعیت مدنی باید گفت پدیده مشروعیت در هر جامعه ای و در هر عصری از تاریخ به چشم می خورد و به اصطلاح از پذیرش جهانی بر خوردار بوده است.

اعمال قدرت توسط هر حکومتی بر اصل مشروعیت دستورات بوده به این معنی که عامه مردم کم و بیش این اصل را که حکومتشان از مشروعیت برخوردار است پذیرفته اند . معمولاً در مقابل اصل مشروعیت حکومتها اصل بنام غصب بکار برده می شود، چنانچه در یک جامعه دستگاه یا شخصی قدرت را به زور غصب نماید، طی زمان دست به اعمال خواهد زد که این غصب را مبدل به مشروعیت نماید، بنابراین اعمالی که غاصب جهت روشن کردن مشروعیت خود انجام می دهد، حائز اهمیت هستند. البته میان کودتا وغصب حکومت با موردی که یک گروه با توسل به انقلاب قدرت را در دست می گیرند باید تمایز قائل شد. چرا که صرف توسل به انقلاب خود نوعی مشروعیت انقلابی بوجود می آورد(1).

اصل مشروعیت در حکومت اسلامی باسایر نظامهای سیاسی از بسیاری جهات متفاوت است. در حکومت اسلامی حکومت مشروعیت خودش را از دین و آرای مردم می گیرد. ولی در حکومتهای دیگر مشروعیت حکومت ها پشتوانه دینی مذهبی ندارد و در بعضی موارد مثل رژیمهای دموکراتیك، رای مردم مشروعیت می آورد و در بعضی حکومتها مشروعیت سنتی حاکم است.

اگر حکومت از مشروعیت برخوردار باشد دارای سلطه مشروع خواهد بود، به این معنی که فرمانروا خود را محقق به صدور اوامر و نواهی می داند و از طرف دیگر فرمانبران خود را موظف و مکلّف به پیروی از اوامر و نواهی می دانند. وقتی که

_____

1 ـ کتاب سیری در اندیشه های سیاسی معاصر - دکتر علی اکبر ص 131 به بعد.

مشروعیت از طرف عامه مردم مورد سئوال قرار می گیرد، خواه ناخواه سلطه مشروع نیز رو به زوال می گذارد. مگر اینکه فرمول سیاسی جدیدی مانند پیمان اجتماعی و حق مالکیت جدیدی جایگزین فرمولهای قبلی گردد(1).

قانون اساسی، نوع حکومت ایران را جمهوری اسلامی و مشروعیت آن را مبتنی بر دو اصل: مکتب(حق و عدل) و انتخاب اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران معرفی می کند. که در توضیح این مطالب باید چهار موضوع را مورد بررسی قرارداد و به سؤالات زیر پاسخ گفت:

الف ـ مقصود از جمهوری اسلامی چیست؟

ب ـ اسلامی بودن مبین چه حقیقتی است؟

ج ـ آیا حکومتی می تواند اسلامی باشد؟

د ـ مشروعیت نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر چه دلائلی است؟(2)

پس نظامهای سیاسی از لحاظ شکل و محتوا باهمدیگر کاملا متفاوتند و اصل مشروعیت در هر یک از نظامهای سیاسی متفاوت است.

5 ـ نتیجه گیری:

1 ـ 5 ـ رژیم های سلطنتی یا پادشاهی در اکثر کشورها بر چیده شده اند، در بعضی از کشورها، پادشاه یا ملکه همچنان وجود دارد، فقط جنبه تشریفاتی دارد و در سیاست اجرائی کشورها هیچ نقشی ندارند بلکه به صورت موروثی جنبه تشریفاتی دارند. با این حال هنوز هم در بعضی از کشورهای عربی منطقه و یا بعضی از کشورهای افریقائی رژیم پادشاهی حکومت می کند و حکومت به صورت موروثی به

---

1 ـ کتاب سیری در اندیشه های سیاسی معاصر - دکتر علی اکبر ص 134 به بعد.

2 ـ جزوه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران - آقای جهانگیری ص 7 به بعد.

فرزندان پادشاه می رسد.

با توجه به بلوغ اجتماعی و تشکیل جوامع مدنی از طرف مردم و تعدی و تجاوز و ظلمی که پادشاهان در حق و حقوق مردم اعمال می کردند، دیگر عقل معقول، رژیمهای پادشاهی را نمی ستاید و مورد اقبال واقع نمی شوند و دوران های متمادیست که انقلابات بر علیه اشراف و سلطنت به وقوع می پیوندد و دیگر به هیچ وجه رژیمهای پادشاهی نمی توانند به منصه ظهور برسند و اعمال حاکمیت نمایند.

2 ـ 5 ـ با توجه به فلسفه دموکراسیها که در طول مقال مطرح شدو حکومتهای دموکراتیک اگر چه گسترش پیدا کرده اند ولی نکته قابل تعمّق در رابطه با قانون اکثریت دموکراسیهاست که از معایب عمده آن بشمار می رود.

«ژاکلین دورومی یی» قضیه را در چند کلمه خلاصه می کند و می گوید: «این که هرکس با رای برابر در امور دولت خود شرکت کند کار درستی به نظر می آید. اما همین کار می تواند خطرناک هم جلوه کند، زیرا صلاحیت همه برابر نیست. به بیان ساده تر، این درست همان مخمصه ایست که کلیه دموکراسی هاگرفتار آن هستند.

نتیجه مستقیم امر رای گیری در واقع به منزله اخذ تصمیم توسط اکثریت است. از اینرو تصور این که

امر مرجعیت (اتوریته) که امری کیفی است بتواند از اکثریت که امری کمی است صادر شود انسان را به حیرت می اندازد.

و این جاست که انتقادها مثل جویبارها به هم وصل می شود «تن» در مقدمه کتاب «مبادی فرانسه معاصر» (1875) می نویسد: «ده میلیون نادان را که روی هم بگذارید یک دانا نمی شود». خطاها را که باهم جمع کنید حقیقتی از آن در نمی آید.

کیفیت از کمیت صادر نمی شود و ارزش یک پدیده امر کمی نیست بلکه کیفی است.

دلیل و برهانی که اکثریت می آورد، الزاما دلیل و برهان درست نیست. «رنه گنون» می گوید که قانون اکثریت چیزی جز قانون حاکم بر ماده و نیروی خام خشن نیست و

عالی از پست نمی تواند صادر شود و نتیجه می گیرد که نظر اکثریت چیزی جز بیان فقدان صلاحیت نیست. پس قضیه اساسی که در این جا مطرح است، صلاحیت و بصیرت و تدبیر مردم در کار سیاست است. این فکر که بهترین نوع حکومت، حکومت دانشمندان است، فکری است قدیم و به یونان باستان می رسد و نیز این فکر که دموکراسی یقینا انتخاب اصلح می کند (یعنی به روش حذفی عمل می کند) به همان اندازه قدیم است.

دموکراسی ها لیبرال امروز، نه تنها مفهوم مردم را به عنوان مفهومی متجانس (ارگانیك) و یکدست قبول ندارند بلکه اقدامات سیاسی آنها بیشتر در جهت ضایع کردن مردم و شکاف انداختن در جمع، فرقه سازی و حزب سازی، و سر انجام تربیت افرادی است که از بیخ و بن نسبت به یکدیگر در حکم بیگانه اند.

سر چشمه دموکراسی های امروزی فرد پرستی خاص دین مسیحی و عقل گرائی فلاسفه قرن هجدهم و جهان بینی پرتستانهای انگوساکسون است. در این دموکراسی های جدید، شهروند کسی نیست که به علت پیوندهائی که با مردم دارد ساکن عرصه یک تاریخ واحد و مالک یک سرنوشت واحد مثل سایر هم میهنان خود باشد. در این دموکراسی های لیبرال، مفهوم انسان منحصرا به اعتبار استعدادش در احساس لذت و درد تعریف می شود.

دموکراسی نه به معنی برابری انسانها نه به معنای همسانی وضع و حال مردم است بلکه بر مبنای برابری

شهروندان در مقابل قانون و فرصت یکسان آنان برای دست یابی به مناصب دولتی استوار گردیده و الزما نابرابری هائی بوجود می آورد که در همه جوامع تحول یافته شرط توسعه و ضرورت وجودی آنهاست. هدف دموکراسد،ایجاد فرصت برای برابر شدن افراد نیست، کارش این است که فرصت برابر به آدمها بدهد تانا برابر باشند. این جاست که می فهمیم چرا هواداران دموکراسی

لیبرال در عین حال که قدرت را متعلق به مردم می دانند اغلب با بدگمانی به مردم نگاه می کنند(1).

3 ـ 5 ـ رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) تغییر حکومت ایران و تعیین نوع آنرا بر عهده مردم گذاردند و باصدور فرمان رفراندوم، 12 فروردین ماه 58 شرکت نمودند و براساس نود و هشت و دو دهم در صد کل آراء ملت، نظام سیاسی کشور به عنوان جمهوری اسلامی ایران رسمیت یافت و نتیجه همه پرسی اعلام شد. بی شک برای رسیدن به حکومت اسلامی و تحقق همه آرمانهای انقلابی ملت، تصویب نظام جمهوری اسلامی به عنوان رژیم حاکم بر کشور کافی نبود و برای فراهم کردن زمینه عملی حکومت اسلامی - مردمی و اجرای محتوای نظام جمهوری اسلامی، نخست لازم بود قانون اساسی کشور که مبین چارچوبهای اساسی و قانونی جمهوری اسلامی است تدوین و به تصویب ملت ایران برسد. انگیزه انقلاب ما و رمز پیروزی آن اسلام بوده و ملت مادر سراسر کشور از مراکز تادور افتاده ترین نقاط با اهدای خون و فریاد ا اکبر، جمهوری اسلامی را خواستار شدند و بر سمیت شناختند.

_____

1 ـ ماهنامه سیاسی، اقتصادی، سال هفتم، شماره یازدهم و دوازدهم - مرداد و شهریور 1372 ص 39 به بعد.

منابع:

1 ـ کتاب سیری در اندیشه های سیاسی معاصر - دکتر علی اکبر.

2 ـ کتاب حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جلد اول - دکتر ابو الفضل قاضی.

3 ـ جزوه درسی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران - دانشگاه تهران - دانشکده حقوق و علوم سیاسی نیمسال دوم تحصیلی 73 - 72 - (کتاب فقه سیاسی جلد اول بر روی جزوه چاپ شده است) استاد آقای جهانگیر.

4 ـ جزوه کمک درسی مبانی اندیشه های سیاسی اسلام - دانشگاه تهران - دانشکده حقوق و علوم سیاسی نمیسال دوم تحصیلی 73 - 72 استاد آقای عمید زنجانی.

5 ـ مناهنامه سیاسی و اقتصادی - سال هفتم - شماره یازدهم و دوازدهم - مرداد و شهریور 1372.